www.sjfm.ir

مجله پزشکی قانونی ایران

مرکز تحقیقات پزشکی قانونی

دوره ۲۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰، صفحات ۱۳۵ تا ۱۳۷

نامه سردبیر

نقد رفع مسئولیت مرتکب جنایت، نسبت به اعمال جراحی ضروری انجام شده روی مجنی‌علیه در هیئت عمومی دیوان عالی کشور (موضوع رای وحدت رویه شماره ۸۰۴ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۰۲)

سید عباس سادات‌حسینی[1*]

[1] دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

***نویسنده مسئول:** سید عباس سادات‌حسینی، پست الکترونیک: a.sadathosseini@ssu.ac.ir

تاریخچه مقاله: دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۶ پذیرش: ۱۴۰۰/ ۰۴/۱۵ انتشار برخط: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

How to cite: Sadat Hosseini SA. Criticism of the removal of responsibility of the perpetrator of the crime, regarding the necessary surgeries performed on the victim in the General Assembly of the Supreme Court. Iran J Forensic Med. 2021;28(2):134-136.

سردبیر محترم

دیه به عنوان یکی از انواع چهارگانه مجازات در قانون مجازات اسلامی (ق.م.ا) مصوب سال ۱۳۹۲ خود مشمول نهادی جزایی در اسلام بوده که تحت عنوان نهاد مجازات اسلامی دیه (نماد)از آن نام می‌بریم وهرچند در عنوان، مجازات اسلامی است اما اسلام موسس آن نبوده بلکه مورد تایید شریعت اسلام واقع شده و با بررسی در متون قبل از اسلام حتی در اولین مکتوب بشری موجود، یعنی قانون‌نامه حمورابی، سیستم جزایی مشابه در کنار قصاص در آن مشاهده می‌شود [۱] و به‌تدریج در جوامع مختلف و به‌خصوص ادیان ابراهیمی مورد تغییر وتحول قرار گرفته تا اینکه در اسلام ضمن تایید سیستم جاری زمان خود آن را تایید و برای جوامع اسلامی و مسلمانان مقدر کرده است.

اصل تقدیر که در عرف وحتی ق.م.ا تحت عنوان دیه مقدر نام برده می‌شود (ماده ۴۴۸ ق.م.ا) درواقع به کل نماد برمی‌گردد، نه صرفا دیه جنایت. به‌عبارت دیگر نماد علاوه بر دیه جنایت، شامل خود جنایت و موجبات ضمان دیه نیز می‌شود و در ق.م.ا به هر سه این عناصر به طور دقیق اشاره کرده و هرچند نوع جنایت و دیه آن درباب دیه اعضا با هم آورده اما موجبات ضمان را در باب جداگانه‌ای تحت همین نام آورده است.

منابع نماد هرچند در جمهوری اسلامی ایران در درجه اول ق.م.ا ودر درجه بعد متون فقهی است اما به دلیل ریشه تاریخی آن به قبل از اسلام، به منابع تاریخی هم می‌توان رجوع کرد از جمله دیه قتل نفس به تعداد صد نفر شتر که به داستان عبدالمطلب و قضیه قربانی کردن عبدالله، پدر پیامبر اسلام (ص)، ربط داده می‌شود.

فاصله زمانی از صدر اسلام تاکنون، نبود باب جامعی راجع به نماد در متون فقهی، فقدان کنکاش در خود نماد و عدم استخراج اصول و مبانی آن در فقه و صرفا صدور احکام دیه بر اساس ظاهر روایات سبب دخل و تصرفات بعضا غیراصولی در نماد شده و این روند، به‌خصوص بعد از انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷ و ورود نماد در ق.م.ا و جانشین شدن آن به جای مسئولیت مدنی و قانون ۱۳۳۹، ادامه یافته است. به همین دلیل چون اکثریت قریب به‌اتفاق قضات، حقوقدان و قاضی ماذون بودند و هستند (نه قاضی مجتهد) ناآشنایی مطلق خیلی از انها با مبانی نماد و به تاسی از رویه مسئولیت مدنی قبل از انقلاب، عملا مسئولیت نماد را به عهده کارشناسان و به‌خصوص پزشکان سازمان پزشکی قانونی گذاشته است؛ روندی که تاکنون ادامه دارد.

در این مدت چهل ساله بعد از انقلاب و تجدید نظر حداقل دو بار در ق.م.ا، به‌خصوص آخرین بازنگری مصوب ۱۳۹۲، شاهد دخل و تصرفات ساختارشکن در نماد هستیم که اصل تقدیر را به شدت تحت‌الشعاع خود قرار داده است. به جرئت می‌توان گفت در واقع چیزی که در حال حاضر شاهد آن هستیم، تحریف نماد و به عبارت دیگر مبانی دیه است و از نماد شرعی به جایی رسیده‌ایم که فقط می‌توان گفت مغالطه است که نه شبیه نماد و نه شبیه مسئولیت مدنی است.

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-07]

آثار دخل و تصرفات غیراصولی به‌خصوص توسط حقوقدانان متاثر از مسئولیت مدنی را در جای جای آن می‌توان دید. درصورتی که نماد نهادی مختص به خود است و هیچ‌چیزی بیرون از خود را نمی‌پذیرد. اصل تقدیر و هم ساختار کلی آن، این را به ما دیکته می‌کند.

از جمله دخل و تصرفات ساختارشکن می‌توان به اضافه کردن عنصر تقصیر در تعیین مسئولیت جانی (ماده ۱۴۵ ق.م.ا برگرفته از مسئولیت مدنی) و حذف ضمنی جایگاه مباشر و مسبب با عبارت استناد نتیجه به جانی (ماده ۴۹۲ ق.م.ا) اشاره کرد و حتی این روند در جزئیات دیه، به‌خصوص دیه جراحات وشکستکی دنده‌ها و ترقوه نیز اتفاق افتاده است (مواد ۶۵ و ۶۵۷ ق.م.ا). البته قانون جدید نکات مثبتی هم دارد که به‌خصوص در مسئولیت پزشک وپرستار و بیمار متبلور است که در قانون قبلی نبود (ماده ۴۹۶ ق.م.ا) اما طبق اصول کلی نماد قابل استخراج بود و نکته جدیدی نیست. از این دست تغییرات، چه مثبت وچه منفی، زیاد است.

از جمله آثار مخرب وجود عنصر تقصیر و استناد نتیجه به جانی در قانون مجازات اسلامی، صدور رای وحدت رویه توسط هیئت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۸۰۴ در تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۰۲ است که مصداق دیگری در تایید ناآشنایی کامل به مبانی ضمان در نماد است.

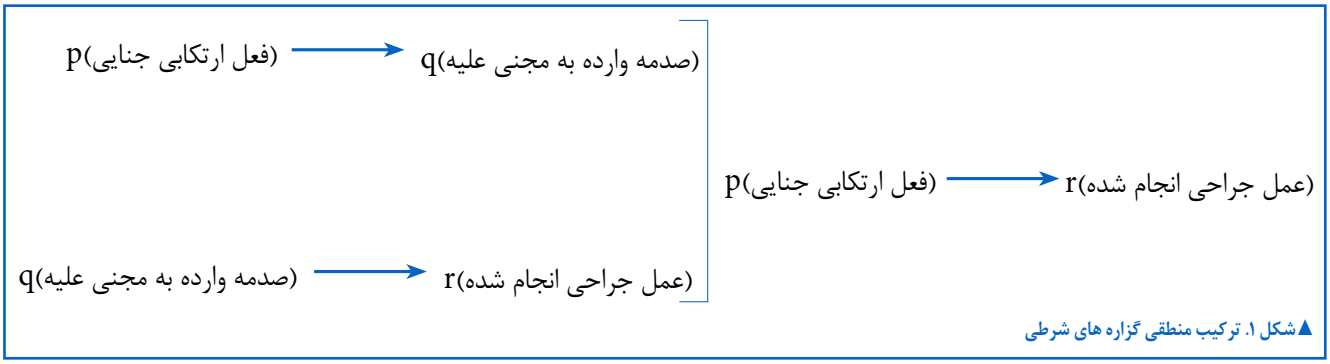
در این رای خوشبختانه به‌دلیل کلی و مطلق بودن و استناد نکردن به موضوع آن در اینجا از آوردن جزئیات جنایات ارتکابی خوداری می‌شود و صرفا اشاره می‌شود که در راستای اختلاف بین محاکم قضایی درخصوص مسئولیت عامل تصادف رانندگی نسبت به اعمال جراحی پزشکان برای درمان صدمات وارده صادر شده اما به کل حوادث دارای مقصر و مسئول تعمیم داده شده است.

متن رای شماره ۸۰۴ مورخ ۹۹/۱۰/۰۲

جراحات ایجاد شده در معالجات پزشکی، قابلیت استناد به رفتار «واردکننده صدمه اولیه» را ندارد تا مطابق ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مستوجب پرداخت دیه یا ارش از جانب او باشد. از طرفی با عنایت به مواد ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون مذکور، چنانچه جراحات موصوف با رعایت مقررات پزشکی و موازین قانونی ایجاد شده باشد، معالجه‌کننده اعم از پزشک یا پرستار و مانند آن نیز مسئولیتی برای پرداخت دیه یا ارش در قبال آن ندارد. بنا به مراتب مذکور، رأی شعبه نهم دیوان عالی کشور تا حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آرا صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

اولاً

در سطر اول با استناد به ماده ۴۹۲ ق.م.ا و عنصر استناد نتیجه به جانی، به راحتی عنصر تسبیب (فعل جانی) طبق ماده ۵۰۶ ق.م.ا را نادیده گرفته، امری که عرف عام وخاص و بنای عقلا وعلم منطق بهمراه نماد آنرا تأیید می‌کنند. اگر فعل جانی نبود مداخله پزشکی هم ضرورت نداشت (البته باید درنظر داشت که مطابق با نماد، هر عمل جراحی مشمول دیه و ارش نمی‌شود و این در جای دیگری باید توضیح داده شود) اما به‌طور مطلق و بدون قید و شرط، نسبت دادن تمام عمل جراحی به پزشک به این مفهوم است که علاج با مرض ارتباطی ندارد. این نتیجه‌ای است که از شاهکار رای وحدت رویه گرفته می‌شود که ابتدایی‌ترین اصول علم منطق را زیر پا می‌گذارد (شکل ۱).



▲شکل ۱. ترکیب منطقی گزاره های شرطی

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-07]

جانـی صدمه و مـرض راایجاد کرده و تنهـا درصورتی علاج (عمل جراحی) با جانی مرتبط نیسـت که با مرض مرتبط نباشـد و این دیگر نامش علاج نیست بلکه خود جنایتی دیگر است.

از این اسفبارتر قسمت دوم رای و استناد به ماده ۴۹۵ ق.م.ا و رفع مسئولیت پزشکان است که این هم ناشی از سایه عنصر تقصیر بر این ماده اسـت. مدلول این ماده رفع مسـئولیت پزشـک نسبت به آسـیب و جرحی اسـت که به ضرورت پزشکی به‌منظور درمان و معالجـه بیماران ازجمله مصدومان و بدون تقصیر پزشـک بر بیمار وارد می‌شود و هیچ دلالتی بر رفع مسئولیت مرتکب صدمات وارده نیسـت. در ثانی سـوال اساسی این اسـت که آیا اگر پزشکی بنا به مصلحت بیمار اما بدون رضایت بیمار اقدام به جراحی کند، هرچند کارش را درسـت و مطابق با موازین علمی انجام داده باشـد، طبق بند ج ماده ۱۵۸ ق.م.ا مرتکب جرم شده یا نه؟ مسلما جواب مثبت اسـت. آیا رضایت بیمار به عمل جراحی به سبب جنایت وارده و از سـر اجبار و اکراه بوده یا به‌دنبال انتخاب خودش بوده است؟ آنچه مسـلم اسـت رضایت بیمار مخدوش و برخلاف بنـد ج ماده ۱۵۸ ق.م.ا و موازین قانونی اسـت (همان موازین قانونی که در متن رای به اشـتباه به ماده ۴۹۵ ق.م.ا اسـتناد شده زیرا در این ماده قانونی به موازین قانونی اشـاره نشده اسـت) رضایت توام با اکراه در هیچ سیستم حقوقی صحیح و درست نیست و مکره، مسئول است.

ثانیاً

این رای درسـت متناقض با رای وحدت رویه به شـماره ۷۴۰ مورخ ۱۳۹۴ اسـت. دیوان عالی کشـور که بـا تنظیم آرای وحدت رویه درصدد رفع صدور آرای متناقض اسـت، خود مبادرت به آرای وحدت رویه متناقض می‌کند. به‌طوری که در رأی ۷۴۰ مورخ ۱۳۹۴ [۲] عمل جراحی توسـط پزشـکان برای برداشتن طحال به دنبال ضربه به طحال را مشـمول ارش دانسـته و بنابرایـن دیه از عامل جنایت و ضربه اخذ می‌شود.

برداشـتن طحال به دنبال ضربه در اکثر موارد ناشی از شدت صدمه و از بین رفتن طحال نیست بلکه یک تشخیص پزشکی است و به شـرایط بیمار بسـتگی دارد. به عبارت دیگـر صرفاً مربوط به خود طحال نبوده و به جمیـع جهات و به‌خصوص وجود اختلالات انعقـادی یا جراحـات خونریزی‌دهنده در نقاط دیگـر بدن و برای پیشگیری از به مخاطره افتادن جان بیمار و به‌عنوان اقدامی درمانی توسـط پزشکان انجام می‌شـود. باید گفت بسـته به شرایط بیمار، چه‌بسـا طحال با شدت آسـیب کمتر طی عمل جراحی خارج شود در حالی که طحال با آسـیب بیشتر حفظ شود [۳] پس با مداخله پزشکی این نتیجه حاصل می‌شود اما در هر صورت طبق رأی ۷۶۰ ارش طحال تعیین و از جانی قابل اخذ است.

باتوجـه به موارد بالا هرچه زودتر باید نماد را بر مسـیر اصلی خـود قرار داد و تا نتایج مخرب‌تری بر آن عارض نشـده و آیندگان بر ما ایراد نگرفته‌اند، خود اقدام به بررسـی و بازنگری در نماد کنیم و اصول کلی و سـاختار اصلی آن را بشناسـیم. البته این به مفهوم تاییـد نماد در همه زمینه‌ها نیسـت اما آنچـه در حال حاضر مقدر و معین شـده، حاصل هزاران سـال تفکر و اندیشـه بشری و دینی اسـت و مبتنی بر اصولی اسـت که متاسـفانه برای ما در خیلی از موارد شـناخته شده نیسـت و با شناخت آن مسلما می‌توان نماد را سـریع‌تر، با هزینه‌ای به مراتب کمتر و مطابق با شـرع مقدس اجرا کرد و موجبات رضایت خدا و مردم را فراهم ساخت.

References

1. Sarmadi MT. History of Medicine and Treatment of the World from the Beginning to the Present Era. First Edition, Tehran: Sarmadi Publications, 1998:27- 9. [Persian]
2. Akrami R. Criminal Law Research. 2015;4(13):121. [Persian]
3. Peitzman AB, Harbrecht BG, Billar TR, Shok F. Charles Brunicardi, Dana K, Andersen, Timothy R. Billiar, David L. Dunn. Schwartzs Principles of Surgery.:97-8.

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-07]